

Theoretical Synthesis of Iran’s Foreign Policy: The Case of Iran–China Comprehensive Strategic Partnership

- Arsalan Ghorbani**  Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran
- Sheikhneshin *** 
- Hadi Torki**  Ph.D. Student, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran
- Saeed Mirtorabi**  Associate Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran
- Gholamreza Karimi**  Associate Professor, International Relations, Kharazmi University, Tehran, Iran

Introduction

In humanities, especially within the field of international relations, the application of theory to the analysis of events or phenomena in foreign policy and the international system is widely recognized as a salient approach. The application of theories allows us to gain a more profound understanding of the actions and reactions of countries’ foreign policies in the international system. In this line, the present study aimed to develop a model to gain a better understanding of Iran–

- This article is taken from the doctoral dissertation of the international relations department of Kharazmi University.

* Corresponding Author: ghorbani@khu.ac.ir

How to Cite: Ghorbani Sheikhneshin, A., Torki, H., Mirtorabi, S., Karimi, Gh., (2023), “Theoretical Synthesis of Iran’s Foreign Policy: The Case of Iran–China Comprehensive Strategic Partnership”, *Political Strategic Studies*, 12(47), 107-144. doi: [10.22054/QPSS.2023.71861.3170](https://doi.org/10.22054/QPSS.2023.71861.3170)

China relations. The research sought a clearer insight into Iran–China comprehensive strategic partnership by employing a set of theories at the levels of international system, foreign policy, and domestic scene of policy formulation and decision-making. At the level of international system, it is necessary to consider the convergence between Iran and China in the context of US-led Western hegemony and counter-hegemony. At the level of foreign policy, it is crucial to consider cognitive approaches in foreign policy analysis. At the domestic level, one must take into account Iran’s prevailing economic circumstances and its challenges stemming from the US- imposed sanctions, which have prompted the Look to the East policy. China also seeks to export the surplus of its production and advance the Chinese model through partnerships. Delving into these issues, the present article investigated both theoretical considerations as well as various dimensions of Iran–China relations in practice.

Literature Review

Rekavian et al. (2021) assert that Iran and China have actively pursued closer cooperation in regional and international organizations as a countermeasure against Western interventions. Shafiei (2022) posits that China’s comprehensive strategic partnership with Iran is primarily motivated by its own strategic objectives, while Iran engages extensively with China out of its specific needs and requirements. Corneliussen (2020) suggests that the Iran–China agreement has the potential to reshape the strategic and geopolitical dynamics in the Middle East. Figueroa (2022) highlights that Western sanctions stand as the primary hurdle to the realization of the 25-Year Iran–China Agreement and the enhancement of economic ties between the two countries. Scita (2022) argues that Washington is actively attempting to manage the contradictions arising from these roles through continuous mediation efforts. According to Loft et al. (2022), China is actively pursuing control over critical technological

and industrial sectors, essential infrastructure, strategic resources, and supply chains.

Materials and Methods

The present study used a descriptive method to offer an analysis of Iran–China partnership.

Results and Discussion

The approach taken by Iran and China in establishing their comprehensive strategic partnership can be seen as a form of convergence between the two countries. China, in particular, seeks to advance its own strategic goals through these partnerships. It is also important to recognize that there are shared identity constructs between Iran and China, which can be characterized as *the power of ideas* evolving within the realist framework in the international system. In addition, this partnership has emerged from a nuanced understanding and recognition of the geopolitical landscape, especially within the context of the Islamic Republic of Iran. Iran is pursuing its first significant international partnership and agreement in the last century. Beyond addressing domestic needs and fulfilling economic, political, and military requirements, the Iran–China agreement is rooted in a strategic grasp of counter-hegemony as a pivotal factor in forging such agreements.

Conclusion

To gain a deeper insight into the Iran-China comprehensive strategic partnership, it is essential to explore various aspects and variables, ranging from domestic factors to the perceptions of their leaders, decision-makers, and policymakers, and to the dynamics of the international system. Comprehending and recognizing the positions held by the leaders of both nations within the international arena can facilitate the identification of national interests, commonalities,

differences, and potential conflicts. Therefore, to enhance our understanding of the comprehensive strategic partnership between Iran and China requires an analysis of both domestic and foreign factors and variables. This approach offers valuable insights into the rationale and strategies that underlie the Iran-China partnership. The partnership is shaped not only by domestic and international circumstances but also by the perceptions of decision-makers and authorities in each country. Moreover, the resistance to a third party, such as the US, can exert a significant influence. All of these factors lead to a realist perspective in the international arena, which can contribute to more informed and effective decision-making processes for both countries involved in the comprehensive strategic partnership.

Keywords: Theoretical Synthesis, Iran, China, Comprehensive Strategic Partnership, 25-Year Iran–China Agreement




----- فصلنامه علمی پژوهش‌های راهبردی سیاست -----


دوره ۱۲، شماره ۴۷، زمستان ۱۴۰۲، ۱۰۷-۱۴۴


qpss.atu.ac.ir


DOI: [10.22054/qpss.2023.71861.3170](https://doi.org/10.22054/qpss.2023.71861.3170)

سنّتز نظری سیاست خارجی ایران در پرتو مشارکت جامع راهبردی با چین

ارسلان قربانی شیخ‌نشین*  استاد روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

هادی ترکی  دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

سعید میرترابی  دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

غلامرضا کریمی  دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

چکیده

روابط ایران و چین دارای فراز و فرودهایی بوده که حدود یک دهه اخیر در قالب مشارکت جامع راهبردی بیشترین مراودات سیاسی و اقتصادی را با هم تجربه کرده‌اند. حاکمیت ج.ا. ایران با یاس از غرب، رویکرد «نگاه به شرق» را در پیش گرفته که این مشارکت منجر به توافق‌نامه ۲۵ ساله بین تهران و پکن شد. عوامل، متغیرها و مولفه‌های داخلی و خارجی برای بررسی این مشارکت مهم هستند. از یک سو لایه‌های هویتی دخیل هستند، از طرفی رویکرد واقع‌گرایانه و به نحوی ضدیت با هژمون که از درک و شناخت کارگزاران دولت‌ها شکل گرفته، موثر می‌باشند. پرسش این است که برای درک بهتر این مشارکت چه سنتزی می‌توان ارائه داد؟ فرضیه این است که مشارکت جامع با رویکرد چندوجهی، اشتراکات هویتی و رویکردی ضد هژمون شناخت ادارکی از محیط بین‌الملل و شرایط داخلی و سیاست خارجی تأثیرگذار بوده است که ما را برای شناخت بهتر سیاست خارجی ایران در ارتباط با چین در قالب این مشارکت رهنمون می‌سازد. مقاله از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بهره برده و داده‌ها کتابخانه‌ای و اینترنتی می‌باشند.

واژگان کلیدی: سنّتز نظری، ایران، چین، مشارکت جامع راهبردی، قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین.

- این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته روابط بین‌الملل دانشگاه خوارزمی است.

* نویسنده مسئول: ghorbani@khu.ac.ir

مقدمه

در علوم انسانی بطور اعم و رشته دانشگاهی روابط بین‌الملل به صورت اخص، توجه به «نظریه» برای بررسی یک «رویداد» یا «پدیده» در سیاست خارجی و نظام بین‌الملل امری مهم و شناخته شده بین مجامع دانشگاهی است و برای بررسی شکل‌گیری یک «اتحاد»، «پیمان»، «قرارداد»، «مشارکت» و «همگرایی» می‌توان چندوجهی نگاه کرد. در واقع نظریه‌ها باعث می‌شوند درک بهتری از کنش و واکنش سیاست خارجی کشورها در نظام بین‌الملل داشته باشیم. مشارکت جامع راهبردی چین با ایران یکی از رویدادهای است که به نظر می‌رسد می‌تواند از چند منظر مورد دقت قرار گیرد و برای کاوش آن «ستری» مکمل یا یک «الگو» ارائه داد. همان‌طور که گی‌روشه می‌گوید: «توسل به الگو در همه علوم یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر است چرا که اکثر فلاسفه، اندیشمندان و محققان که درباره زندگی اجتماعی انسان به بحث پرداخته‌اند، همواره به مشابهت‌ها یا بعضی تصاویر توسل جسته تا بتوانند جامعه را نزد خود معرفی کنند» (روشه، ۱۳۷۹: ۴).

در تعریف الگو می‌توان گفت: الگو نمایش نظری یا شکلی از یک جهان واقعی است. عبارتی الگو نمونه کوچک شده از روابط بین‌الملل است که یک واقعیت را بهتر نشان می‌دهد و می‌تواند جهان واقعی را تبیین و تفسیر کند و ملموس‌تر می‌توان تصویری از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل داشت و همان‌طور که «سیف‌زاده» می‌گوید: سیاست خارجی بین سیاست داخلی و سیاست بین‌الملل قرار دارد. سیاست خارجی در سه بُعد داخلی، خارجی و بین‌المللی در راستای جهت‌گیری، راهبردها و ابزارها در سطوح مختلف متفاوت است. سه سطح داخلی، سیاست خارجی و بین‌المللی با توجه به نقش نخبگان، نهادهای داخلی و بین‌المللی تاثیرهای متفاوتی دارند؛ گاهی اندیشه نخبگان داخلی تأثیرگذاری بیشتری دارد و گاهی متغیرهای منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند نقش سطح داخلی را محدود کنند. لازم به ذکر است متغیرهای تأثیرگذار در هر سه سطح نیز متفاوت می‌باشند (سیف‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۱).

در واقع نظام بین‌الملل محیطی است که در آن واحدهای سیاسی عمل می‌کنند. به گونه‌ای که نیت، رفتار، جهت‌گیری‌ها، خواسته‌ها واحدها هم تأثیرگذار هستند و هم تأثیرپذیر. در مورد نظام بین‌الملل نظریه‌های مختلفی ارائه شده که در طیف‌های مختلف

قابل بررسی است. ۱- نظریه پردازانی مانند دیوی سینگر و کاپلان از منظری رفتار گرایانه بحث می‌کنند، ۲- برخی مانند والتر و هالستی رویکرد نو واقع‌گرایانه به مسائل را بررسی می‌کنند، ۳- افرادی مانند والرشتاین با نگرشی اقتصادی نظام بین‌الملل را مورد مذاقه می‌دهند، ۴- افرادی به مانند الکساندر ونت با رویکرد سازه‌انگاری یا تکوین‌گرایی از منظر اجتماعی مباحث را پیش می‌برند (صالحی و حشمتیان، ۱۳۹۷: ۱۲۶). بنابراین می‌توان گفت ساختار نظام بین‌الملل یکی از عوامل اصلی موثر بر رفتار دولت‌ها و در واقع کانون اصلی درک تحولات سیاست خارجی است که هم بر کشورها تاثیر می‌گذارد و هم تاثیر می‌پذیرند.

در این مقاله با توجه به نظریه‌های همگرایی، سازه‌انگاری و واقع‌گرایی در نظام بین‌الملل و نیز نظریه‌هایی در حوزه سیاست خارجی مانند نظریه شناختی آدلر و رویکرد ادراکی، به بررسی برخی مولفه‌های تاثیرگذار به مشارکت جامع راهبردی ایران و چین پرداخته می‌شود. چارچوب نظری در این تحقیق چندوجهی است. عبارتی هرچند نظریه‌ها با دریچه و نگرش خود به مسائل در نظام بین‌الملل نگاه می‌کنند؛ اما می‌توان گفت بسیاری از مفاهیم در روابط بین‌الملل را می‌توان با نظریه‌های مختلف بررسی کرد و صرفاً نباید با یک نظریه به همه مسائل پرداخت و رفتار دقیق کنشگران را شناخت. به نظر می‌رسد صرف بکارگیری یک نظریه برای فهم یک مسئله پژوهشی، مفهوم مسئله را بخوبی مورد بررسی قرار ندهد. در این مقاله سعی شده از نظریه‌های مختلف به منظور فهم یک الگوی نظری یا سنتز نظری در ارتباط با مشارکت جامع راهبردی بین ایران و چین دست یافته که نوآوری مقاله در این راستا است.

می‌توان مشارکت راهبردی ایران با چین را از زوایای مختلف بررسی کرد و اثرات این مشارکت را بهتر شناخت. مقاله در پی شناخت واضح‌تری از مشارکت جامع راهبردی ایران و چین است که با استفاده از نظریات مختلف در سطوح «نظام بین‌الملل»، «سیاست خارجی» و «سطح داخلی» سیاست‌گذاری، تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی این مشارکت را بهتر نمایان می‌سازد. در سطح «نظام بین‌الملل» می‌بایست همگرایی ایران و چین را در ارتباط با «هژمونی غرب به رهبری آمریکا» و «کانتر هژمون» در نظر داشت. در سطح «سیاست خارجی» می‌بایست به رویکرد ادارکی و شناخت در سیاست خارجی و در «سطح داخلی»

می‌توان به شرایط ایران توجه کرد که بیشتر بعد اقتصادی و ناکامی از غرب را که با تحریم‌های آمریکا گره خورده، مدنظر قرار داد که باعث شکل‌گیری «نگاه به شرق» شده و چین نیز در سیاست داخلی در پی ارسال مازاد صادرات خود به خارج از مرزها و توسعه مدل چینی با بهره‌گیری از «مشارکت»ها، سعی دارد به این مهم دست یابد. مقاله به دو بخش تقسیم می‌شود: بخش اول مباحث نظری و بخش دوم، حوزه عملی روابط ایران و چین را تحلیل می‌کند.

روش و پیشینه پژوهش

روش تحقیق در این مقاله تحلیل محتوا می‌باشد و داده‌های مقاله از نوع کتابخانه‌ای و اینترنتی بوده که به صورت فیش برداری انجام شده است.

در مورد پیشینه پژوهش نیز می‌توان گفت مطالب و مقاله‌های بسیاری در راستای روابط ایران و چین نوشته شده است؛ اما ادبیات این مقاله، بیشتر در قالب یادداشت‌ها، نقد و نظرها و تحلیل‌های روزنامه‌ای و اینترنتی است و تا زمان نگارش این پژوهش، مقاله علمی یا کتابی به صورت دانشگاهی با این عنوان نگارش نشده است. در ذیل به بررسی برخی پیشینه‌های نزدیک و به روز منابع داخلی و خارجی اشاره می‌شود.

آذرائین، پیمانی و تلیس (۱۴۰۰) در گزارشی با عنوان «بررسی جامع قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین» که توسط دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید دانشگاه امام صادق منتشر شده، به صورت بسیار مختصر و جزئی به برخی مطالب این قرارداد می‌پردازند.

شرفخانی، حاجی مینه و دهشیری (۱۴۰۱)، به بررسی راهبرد اقتصادی چین در رقابت با هژمونیک با آمریکا در خاورمیانه پرداخته و با این فرض که چین از طریق موثرترین بخش‌های زنجیره ارزش جهانی سعی دارد که با امنیت فناوری به کاهش ریسک امنیت انرژی خود برسد.

علی رکابیان و سایرین (۱۴۰۰) عنوان می‌دارند ایران و چین کوشیده‌اند تا در راستای مقابله با مداخلات قدرت‌های غربی در قالب سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری‌های تنگاتنگی را به منصفه ظهور برسانند و به همین دلیل می‌توان به عضویت دو کشور در سازمان همکاری شانگهای و دعوت از ایران برای عضویت در گروه «بریکس پلاس» اشاره کرد و مهم‌ترین هدف در سیاست خارجی پکن را که برآورده کردن آرزو

و آمال خود و جبران تحقیرهای گذشته و نیز احیای قدرت امپراتوری میانه و تبدیل شدن به یک قدرت بزرگ می‌باشد، می‌دانند.

محسن شریعتی‌نیا (۱۴۰۱)، به بررسی سازمان همکاری شانگهای پرداخته و آن را ناشی از ثبات هژمونیک، رژیم‌های بین‌المللی آمرانه و محدودیت‌های همکاری در شرایط آنارشی می‌داند.

نوذر شفیعی (۱۴۰۱)، به سیاست خارجی ایران و چین در این توافق می‌پردازد و شرایط و رویکرد چین را تغییر یافته می‌داند. شفیعی نتیجه می‌گیرد ورود چین به شراکت استراتژیک جامع با ایران اگرچه بنا بر ضرورت‌ها و اقتضائات خاص خود وارد تعاملات گسترده با چین شده؛ اما مختصات همکاری طراحی شده را توسط پکن می‌داند.

شهرام قاضی‌زاده و عباس طالبی‌فر (۱۳۸۹)، به مناسبات راهبردی ایران و چین می‌پردازند. سنتر (۲۰۲۰)، می‌نویسد که برای چین و روسیه، خاورمیانه منطقه مهمی است؛ اما برای هیچ کدام نگرانی اصلی آنها نیست و نتیجه می‌گیرد ایران در روابط چین با خاورمیانه به عنوان «آخرین در میان برابران» توصیف شده است و چین تمایلی به تعمیق تعهدات خود در ایران به قیمت از دست دادن روابطش با کشورهای خلیج فارس ندارد.

کورنلیوسن، بنیانگذار و مدیر موسسه تحلیل ژئوپلیتیک جهانی (NRCI) (۲۰۲۰)، محتویات و معماری توافق‌نامه (۲۵ ساله ایران و چین) را مهم دانسته و می‌نویسد که این توافق‌نامه ممکن است تعادل استراتژیک ژئوپلیتیکی در خاورمیانه را تغییر دهد.

فصیحی و استیون‌لی (۲۰۲۱)، به این نکته توجه دارند که دوران تهاجمات آمریکا در منطقه به پایان رسیده است.

فیگوروآ (۲۰۲۲)، تحریم‌های غربی را مانع اصلی اجرای توافق ۲۵ ساله ایران و چین و بهبود روابط اقتصادی دو کشور می‌داند. گرین و راث (۲۰۲۱)، به عربستان و امارات متحده عربی در کنار ایران با توجه به سیاست‌های پکن اشاره دارند و این امر باعث شده که چین را مجبور کند تا تعادلی بین روابط خود با ایران و این شرکای نوظهور ایجاد کند.

جاکوپو (۲۰۲۲)، غلبه واشنگتن را در جایگاه بین‌المللی مهم دانسته که با مشارکت چین و ایران سعی دارد از طریق یک تلاش میانجیگری مستمر، تضاد بین این نقش‌ها را مدیریت کند. لافت، کرتیس و وارد (۲۰۲۲)، به این نکته توجه دارند که جمهوری خلق

چین به دنبال کنترل بخش‌های کلیدی تکنولوژیکی و صنعتی، زیرساخت‌های حیاتی و مواد استراتژیک و زنجیره‌های تامین است.

نوآوری مقاله در این است که اول: مشارکت جامع راهبردی ایران و چین با توجه به روابط دو کشور از منظری چندوجهی مورد بررسی قرار گرفته یعنی اینکه صرفاً در یک قالب تحلیلی بررسی نشده است. دوم: این مشارکت در قالب نظریه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته و می‌توان گفت صرفاً کنش‌ها در روابط کشورها را از یک نظریه و چارچوب نظری نمی‌شود مورد مذاقه قرار داد و سوم: با توجه به دو مورد ذکر شده می‌توان یک الگو و سنتز نظری در سیاست خارجی ایران در پرتو این مشارکت ارائه داد که ما را برای شناخت بهتر سیاست خارجی ایران در ارتباط با چین در قالب این مشارکت رهنمون می‌سازد.

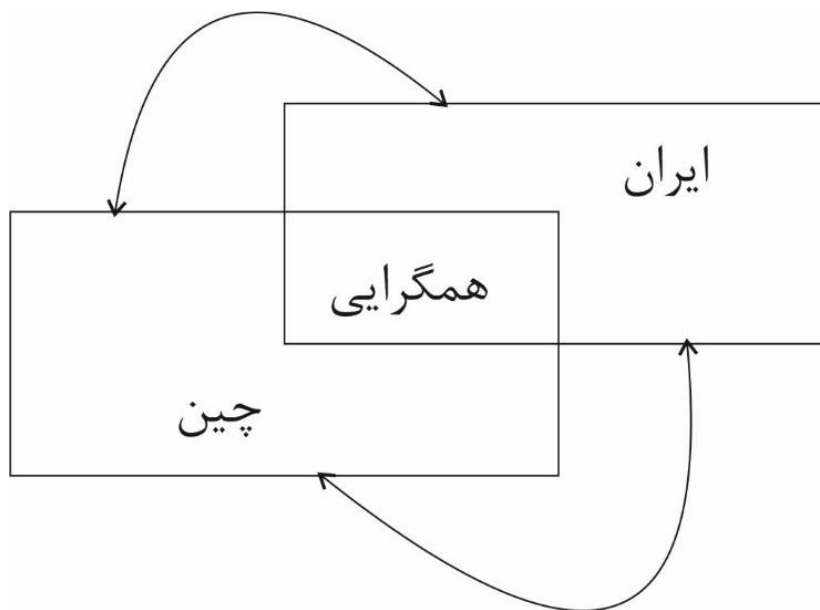
چارچوب نظری؛ درک ترکیبی و مکمل نظریات

الف- شبه همگرایی ایران و چین

نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل به دنبال تبیین و توضیح این هستند که علل گرایش و همکاری دولت‌ها را توضیح دهند. این نظریه از این منظر مورد توجه است که همگرایی کشورها می‌تواند ناشی از محیط داخلی و سیاست خارجی و نظام بین‌الملل باشد. دیوید میترا نی که نوشته‌هایش بر نظریه پردازان بعدی همگرایی تاثیر به‌سزایی داشت، در رابطه با کارکردگرایی به پیچیدگی فزاینده نظام‌های حکومتی توجه دارد که اساساً وظایف فنی و غیرسیاسی حکومت‌ها را افزایش داده است. میترا نی به اصل انشعاب^۱ تاکید دارد که طبق آن توسعه همکاری در یک حوزه فنی به رفتار مشابهی در سایر حوزه‌های فنی منجر می‌شود. در این میان پوچالا، همگرایی را «یک رشته فرایندها که باعث ایجاد و تداوم یک نظام هماهنگی در سطح بین‌الملل گردند، تعریف کرده که بازیگران همواره هماهنگ ساختن منافع، مصالحه در مورد اختلافات و تحصیل عواید متقابل از قبل تعاملات خود را میسر می‌یابند» (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۸: ۶۶۹-۶۶۶). ذهنیت غالب در بیشتر اتحادیه‌ها و وحدت‌های ناحیه‌ای و منطقه‌ای یا قاره‌ای، دستیابی به نوعی اتفاق برای تامین امنیت،

1. Ramificatoin

رسیدن به ایده آل نسبی اقتصادی با توجه به فراخور زمانی و مکانی است (کازمی، ۱۳۸۴: ۴۸۴-۴۸۳).



منبع: نویسندگان

می‌توان گفت همگرایی دو کشور می‌تواند ناشی از شرایط داخلی، اقتضات زمانی و مکانی و نیز رویکرد ایدئولوژیکی آنها در نظام بین‌الملل باشد که طبق تعریف *ارنست هاس* «طی آن بازیگران سیاسی به چندین واحد ملی مجزا ترغیب می‌شوند تا وفاداری‌ها، فعالیت‌های سیاسی و انتظارات خود را به سوی مرکز جدیدی معطوف سازند» (دوثرتی و فالترگراف، ۱۳۸۸: ۶۶۷-۶۶۸). البته هرچند در همگرایی نوعی تفویض اختیار به سازمان و یا پیمانی فراتر وجود دارد؛ اما این امر در ارتباط با مشارکت جامع راهبردی ایران و چین می‌تواند به این صورت مطرح شود که پیچیدگی‌های فنی در زیرساخت‌های حوزه انرژی و نقل و انتقال داخلی ایران توسط چین، بی‌شک انتظاراتی را به بار خواهد آورد و یا همان‌طور که «هاس» اشاره دارد فعالیت‌ها و انتظارات مرکزیت جدیدی وجود خواهد آورد که با توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین این ارتباط از نظر همگرایی‌های فنی ملموس‌تر

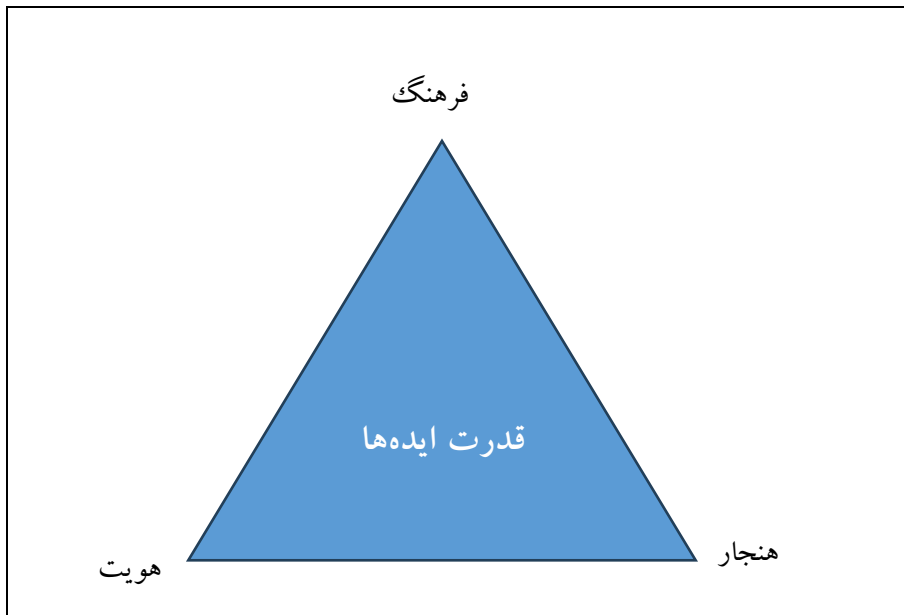
است. به نوعی ایران با نگاه به شرق سعی دارد همگرایی با بلوک چین داشته باشد و لذا پذیرش ایران در شانگهای بیش از آنکه جنبه حقوقی داشته باشد، عملکردی سیاسی چین را در پی داشت که می‌تواند یک ارتباط «هویتی» را پدید آورد. به عبارتی همگرایی در حال حاضر بیش از آنکه یک سازمانی را مانند ناتو به وجود بیاورد، در عملکردها و تصمیم‌سازی‌ها مشخص می‌شود.

ب- قدرت ایده‌ها در سازه‌های هویتی مشترک

سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است و از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیتی تاکید می‌کند که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل گرفته و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در نظریه سازه‌انگاری؛ «فرهنگ»، «هویت» و «هنجار» نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این «فرایند»^۱ است که موضوع تعامل دولت‌ها را تعیین می‌نماید. بنابراین اگر این مفهوم با اجتماع و انسان معنی یابد، باید شاهد تغییر در سطح اجتماع به صورت اخص و نظام بین‌الملل به طور اعم بود و با توجه به وجود هویت‌ها، تغییر، سوءگیری و انتخاب در سیاست خارجی کشورها را از پیش تعیین شده دید (مشیرزاده، ۱۳۸۸: ۳۳۸).

سازه‌انگاری راه‌حلی بین نئورئالیسم و نئولیبرالیسم است (بیلیس، ۱۳۸۳: ۵۴). در واقع سازه‌های هویتی منافع‌ساز هستند و همان‌طور که ونت می‌گوید: «هویت‌ها بنیان منافع هستند» (Wendt, 1992: 398). این هویت‌ها می‌تواند هنجارهایی را در نظام بین‌الملل باعث شود و اصول هنجار بین‌المللی به یکی از ابعاد مهم سیاست جهانی تبدیل شود (مشیرزاده و طالبی آرانی، ۱۳۹۳: ۲۸۷-۲۸۸). این امر به معنی نادیده گرفتن مفهوم «قدرت» نیست بلکه توجه داشتن به نقش هویت نیز است (Hopf, 1998: 177). «سازه‌های هویتی مشترک» در کنار قدرت مهم جلوه می‌کنند (Finnemore & Sikkink, 2001: 396).

می‌توان گفت سازه‌انگاری در کنار امنیت، هویت را نیز مهم می‌داند و به «قدرت ایده‌ها» توجه دارد و به جای توجه صرف به «ایده قدرت» به «قدرت ایده» نیز توجه شود (San, 1999: 25). بنابراین قدرت ایده مستقل در نظام بین‌الملل که نگرش جمهوری اسلامی ایران بوده، می‌تواند یک نگرش سوم و یا «طرز فکر کردن» سوای غرب و شرق مورد توجه قرار گیرد که با اصل «خودیاری» سعی داشته است روند خود را در پیش گیرد. این سیاست اگرچه در ابتدا به غرب سوق داشت؛ اما با ناکامی و عدم پذیرش این رویکرد، سیاست «نگاه به شرق» شکل گرفت که دارای بنیان‌های هویتی خاص خود بوده که در سازه‌های مشترک هویتی با چین در حال تکمیل آن است.

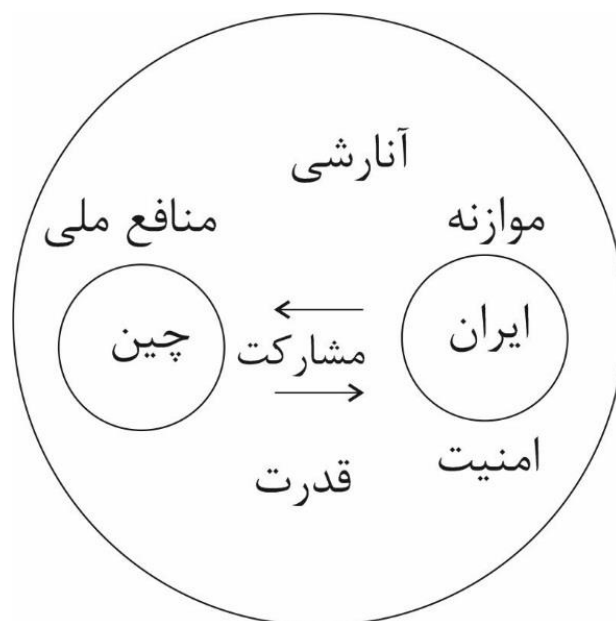


منبع: نویسندگان

پ- مشارکت با رویکردی واقع‌گرایانه

واقع‌گرایی علاوه بر اینکه یک نظریه در روابط بین‌الملل می‌باشد، بهتر تشریح می‌کند که کشورها در طول تاریخ همواره بر این اساس در سیاست خارجی خود عمل کرده‌اند که مشارکت دولت-ملت‌ها نیز در این قالب جای بحث دارد. نظریه واقع‌گرایی به‌عنوان قدیمی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های روابط بین‌الملل بوده که بر آنارشیسم بودن نظام

بین‌الملل تاکید دارد و «قدرت» مهم‌ترین هدف دولت‌ها در وضعیت آنارشیک است. مقوله قدرت می‌تواند در زمینه‌های مختلفی نظامی (یا اقتصادی) برای رسیدن به امنیت باشد (Cerlioli, 2018: 298). اصول خودیاری و آنارشیکی نظام بین‌الملل همواره باعث ستیز بین دولت‌ها بوده و وضعیتی رقابتی و دشواری را رقم زده و همان‌طور که «آشلی» در نظریه واقع‌گرایی موازنه قدرت متذکر می‌شود آنارشیسم، منافع ملی و معمای امنیت قابل درک‌تر است (Ashley, 1981: 204).



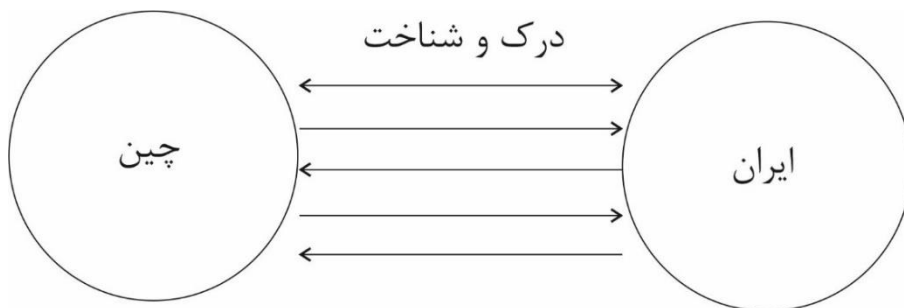
منبع: نویسندگان

بنابراین اصلی‌ترین دغدغه و رویکرد چین و ایران در نظام بین‌الملل، ناشی از رویکرد واقع‌گرایانه آنها است که با توجه به اصل خودیاری و آنارشیک بودن و هرج و مرج در سیستم، به دنبال بقا و افزایش قدرت اقتصادی و امنیتی خود هستند که در ساختار مواجهه با آن تصمیم‌سازی می‌کنند. در واقع این ساختارها هستند که رفتار دولت‌ها را تعیین و به ما کمک می‌کنند تا الگوی رفتاری و علل اقدامات آنها را تبیین کنیم (محمدخانی، ۱۳۸۸: ۳۳). چرا که دولت‌ها منافع و استراتژی‌های خود را بر مبنای محاسبه جایگاه‌شان در نظام بین‌الملل تعیین می‌کنند (شیرخانی، مهدی‌زاده، ۱۳۸۷: ۶۶). اگرچه واقع‌گرایان امکان

همکاری را در نظام آنارشیک نمی‌پذیرند؛ اما امکان همکاری در نزد نواقع گرایان وجود دارد (بیلیس و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۵۵). بنابراین مشارکت جامع راهبردی ایران و چین با رویکرد واقع‌گرایانه شکل گرفته است که سیاست‌گذاران با توجه به ساختار نظام بین‌الملل و آنارشی، سعی داشته‌اند منافع ملی و موازنه قدرت خود را در این رابطه ببینند که این امر ناشی می‌شود از درک و شناخت تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی دو کشور در نظام بین‌الملل بر اساس ظرفیت‌ها، توانایی‌ها و خواسته‌های آنان.

ت- درک و شناخت محیط بر اساس شرایط

درک هر انسانی با توجه به محیط و آموزه‌هایش صورت می‌گیرد. به عبارتی درک و شناخت از محیط به انسان تحمیل و انسان با توجه به تحلیل تصمیم‌گیری می‌کند. ادارک یکی از مباحث روانشناسی بوده که در تحلیل تصمیم‌گیری سیاستمداران نیز مورد توجه قرار گرفته است. در تحلیل سیاست خارجی، عوامل درونی کشورها می‌تواند حائز اهمیت باشد. در این رابطه عمده‌کانون رویکرد ادراکی، تمرکز بر تصمیم‌گیری‌هایی است که توسط کارگزاران اصلی هر سیستم سیاسی گرفته شده است.



منبع: نویسندگان

برخلاف نگرش‌های کلان به روابط بین‌الملل، رویکرد ادارکی توجه خود را معطوف به کنش دولت‌ها در روابط بین‌الملل می‌سازد. کارلسنایس در تعریف سیاست خارجی می‌گوید: «سیاست خارجی «کنش‌هایی هستند که به شکل اهداف، تعهدات یا دستورالعمل‌هایی که توسط نمایندگان حکومتی از طرف اجتماعات تحت حاکمیت خود، آنها را دنبال می‌کنند». به نظر والرئ هادسن «با بررسی تاریخ، گستره مفهومی و روندهای

اخیر در مطالعه سیاست خارجی روشن می‌شود. این حوزه فرعی [مطالعاتی] بهترین پیوند مفهومی را با زمینه تجربی فراهم می‌سازد که کل نظریه روابط بین‌الملل مبتنی بر آن است» (مشیرزاده، ۱۳۹۴: ۵۳-۵۱).

اینکه تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس چه مبنایی رویکرد «نگاه به شرق» را انتخاب کرده‌اند جای بررسی دارد که در این مقوله نمی‌گنجند! اینکه چین چرا از طریق «مشارکت‌ها» سعی دارد با سایر کشورها ارتباط بگیرد نیز موضوع مقاله نیست! اما می‌توان گفت زاویه دید، نگرش و تجربیات دست‌اندرکاران می‌تواند در نوع تصمیم‌گیری آنها در نظام بین‌الملل و در روابط بین دولت-ملت‌ها موثر باشد. بی‌شک مسئولین جمهوری اسلامی طی سال‌های متمادی سعی داشته‌اند نگرش به غرب را تغییر دهند که این روند منتج به نتیجه نشده و لذا با توجه به ساختار آنارشیک و همسویی نسبی هویتی در تقابل با غرب، نوعی همگرایی به وجود آمده است که ضدیت با هژمون یکی از ابعاد آن می‌باشد.

ث- مشارکت و تفاهم اشتراک چین و ایران در نظام بین‌الملل

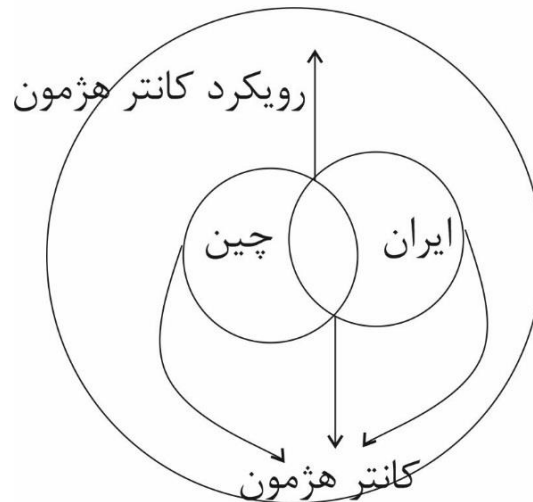
هژمونی واژه‌ای است که توسط آنتونیو گرامشی در جامعه‌شناسی مطرح شد. گرامشی مشخصه اصلی اعمال هژمونی را ترکیبی از «زور و رضایت» می‌داند (Gramsci, 1971: 8). در اصطلاح فارسی، هژمونی به معنای برتری معنی شده است و در اصطلاح سیاسی؛ تسلط طبقه‌ای در جامعه که بر سایر طبقات مستولی شده و ارزش‌های سیاسی، اخلاقی و فرهنگی آنها در هر جامعه مورد پذیرش عموم است. واژه هژمونی از دهه ۱۹۷۰ در روابط بین‌الملل مطرح شد. برخی محققان مانند «استفان گیل» و «رابرت کاکس» در سطح بین‌الملل و افراد دیگری مثل «رابرت گلپین»، «کوهن» و «والرشتاین»، با ادبیاتی نسبتاً متفاوت از گرامشی، مسئله هژمونی را به طور مشخص در اقتصاد سیاسی بین‌الملل مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند (قنبرلو، ۱۳۸۵: ۸۷۱-۸۶۰). به طور معمول واقع‌گرایان، هژمونی را بهره‌مندی یک کشور را از دو ویژگی می‌دانند: ۱- قدرت و ۲- توانایی استفاده از این قدرت برای تسلط بر دیگران (Waltz, 1979: 131). مرشمایمر هژمون را یک «دولت قدرتمند نسبت به همه کشورهای دیگر در نظام بین‌الملل تعریف می‌کند، به طوری که هیچ کشوری توان مبارزه جدی با آن را ندارد» (Mearsheimer, 2001: 41).

کشوری دارای هژمونی است که توانسته در همه جنبه‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، تبلیغاتی و ایدئولوژیکی، تسلط بر سایر دولت - ملت‌ها داشته باشد و همان‌طور که کافمن و دیگران یادآور می‌شوند هژمونی به معنای کنترل کردن و رهبری نظام بین‌الملل به‌عنوان یک کل است (Kaufman, Wohlforth, Little, 2077: 7).

هژمونی در نظام بین‌الملل به ابتکار و توانمندی دولت قدرتمند یا هژمون در شیوه مدیریت جهانی و برتری بدون داشتن رقیب در اقتصاد، سیاست، فرهنگ، ایدئولوژی و نظامی‌گری اشاره دارد (Calco, 1987: 14). بنابراین هژمونی تنها شامل قدرت مادی نیست بلکه اهداف اجتماعی را نیز می‌طلبد (پورقیومی، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲). بحث هژمونی با «امنیت» نیز معنا پیدا می‌کند و خود امنیت نیز دارای ابعاد مختلفی است. جرویس تأکید دارد «ظهور هر دولت بزرگ، تهدید قدرتی برای امنیت دیگران است» (Jervis, 1978: 170). / یکنبری یادآور می‌شود «هر دولت هژمونیک قوانین بازی بین‌المللی را طبق ارزش‌های خود تعریف می‌کند» (ایکنبری، ۱۳۸۲: ۲۷۸). به عبارتی هژمون در نظام بین‌الملل سعی دارد زور و قدرت خود را به صورت قانونی و اقتدار اعمال کند. این اعمال قانون و قدرت می‌تواند از طریق سازمان‌های بین‌المللی، قوانین و قواعد، هنجارها، رژیم‌ها و قراردادهای بین‌المللی دوجانبه، چندجانبه یا فراگیر باشد. همان‌طور که / یکنبری و کوپچان یادآور می‌شوند هژمون سعی دارد از دو طریق رضایت سایر کشورها را بدست آورد: ۱- واگذاری مشوق‌های مادی و ۲- تغییر باورهای اساسی رهبران سایر کشورها است که راه دوم از طریق اعمال قدرت از طریق جامعه‌پذیری صورت می‌گیرد (Ikenberry & Kupchan, 1990: 285).

چین و ایران نیز با توجه برخی اشتراکات از جمله ضدیت با هژمونی آمریکا دارای اشتراکاتی هستند که نوعی تفاهم ذهنی توسط رهبران و در موضع‌گیری‌های آنان در برخی نقاط می‌توان شاهد اشتراکات تفاهمی بود که علیه هژمون شکل گرفته است. بنابراین هرچند چین در مقوله اقتصادی به عربستان سعودی نزدیکتر است و شاید موضع ضد ایرانی در بیانیه نشست کشورهای عرب داشته باشد؛ اما اشتراک و تفاهم «ضدیت با هژمون» با ایران قابل لمس تر است.

نظام بین الملل



منبع: نویسندگان

ج- اشتراک شناختی چین و ایران در کانتر هژمون

نظریه «تکامل شناختی»^۱ آدلر، نظریه‌ای تعاملی است که تغییر را توضیح می‌دهد و نظم‌های اجتماعی از جمله نظم‌های اجتماعی، سیاسی و بین‌المللی را بهتر به ما می‌شناساند. تکامل شناختی فرآیندی رابطه‌ای و تعاملی است که بیداری و آگاهی نسبت به چیزی جدید و بدیع به منظور رهایی از مشکلات اجتماعی شروع و تکمیل می‌شود. بطور دقیق‌تر، تکامل شناختی به یک فرآیند یادگیری جمعی اشاره دارد که در درون و بین جوامع عمل کرده و از طریق آنها در محیط‌های مادی و اجتماعی گسترده‌تر شکل می‌گیرد. «یادگیری» و «قدرت» دو اصل فرآیندی بوده که باعث تکامل شناختی می‌شوند. یادگیری چیزی است که تولید می‌کند و فرآیند ساختارهای اجتماعی را تغییر می‌دهد تا زندگی اجتماعی را حفظ کند. در حالی که از یک سو یادگیری و از سوی دیگر مذاکره و رقابت برای تکامل شیوه‌های اجتماعی بین‌المللی به کار می‌روند (Adler, 2019: 165-168). نظریه تکامل شناختی بیشتر مجموعه‌ای از نظم‌های اجتماعی بین‌المللی که از لحاظ مکانی، زمانی و عملکردی همپوشانی دارند را دربر می‌گیرد. این یادگیری می‌تواند در بین تک‌تک افراد

یک جامعه باشد یا بین تصمیم‌گیران عرصه سیاست خارجی اتفاق افتد که اشتراک شناختی ایران و چین نیز از این منظر جای توجه دارد و رویکرد آنها در ضدیت با هژمونی دارای اهمیت است. ضدیت ایران در حال حاضر بیشتر در حوزه‌های فرهنگی و ایدئولوژیکی جای بحث دارد و ضدیت چین با آمریکا را می‌توان در منابع مالی و پولی و ساختارهای تعیین شده از سوی آمریکا شاهد بود. این نگرش از طریق یادگیری و با آگاهی جمعی همراه می‌شود. این آگاهی می‌تواند در بین ملت‌های دو کشور اتفاق افتد و یک نگرش در سطح کلان ایجاد کند که کانتر هژمون را شکل می‌دهد.

در واقع کانتر هژمون^۱ به معنای ضد هژمون و مقابل هژمون است و از آنجایی که هژمونی نوعی وضعیت است لذا «وضعیت» قابل تغییر است. برای تغییر، نیاز به نوعی آگاهی است. این تغییر علاوه بر خود آگاهی و توسعه نظم فکری و اخلاقی همواره همسو و همراه با فعالیت عملی بوده است. به نوعی در زمان بحران اقتصادی یا سیاسی، بی‌عدالتی‌ها و معایب نظم هژمونیک ممکن است برای طبقات زیردست بیشتر نمایان شود (Adkin, 2022: 218). بنابراین می‌توان گفت: رویکرد ایران و چین ضدیت با هژمون را نمایان می‌سازد و نوعی همسویی را سامان می‌دهد.

روابط ایران و چین

روابط ایران و چین به دوران دور باز می‌گردد و جاده ابریشم مهمترین راه مواصلاتی بین دو امپراتوری بوده است. این روابط دارای فراز و فرودهایی بوده است. دو کشور در قرن هفتم هجری دشمن مشترکی به نام مغول داشتند. در این زمان مغول‌ها توانستند با جنگ و خونریزی بر ایران و چین مسلط شوند. با انقلاب کمونیستی در چین در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸ خورشیدی) ایران با توجه به مقابله با کمونیسم از شناسایی حکومت جدید خودداری کرد و روابط دو کشور به سردی گرایید. با وقوع انقلاب، روابط ایران و چین تا حدودی به صورت محافظه‌کارانه بود که با فروش تسلیحات نظامی چین به ایران تا حدودی روابط ایران و چین جدی‌تر شد و اکنون چین یکی از مهم‌ترین شرکای اقتصادی ایران محسوب

1. Counter Hegemony

می‌شود و در صحنه بین‌المللی نیز هرچند رویکردی دوگانه نسبت به ایران دارد؛ اما یکی از محورهای مقابل غرب و همسو با ایران در بسیاری از مسائل بین‌المللی بوده است.

روابط چین و ایران قبل از انقلاب

روابط سیاسی ایران و چین که چندین قرن گسسته بود، در سال ۱۲۹۹ با انعقاد عهدنامه مودت، کنسولی و قضائی بین دو دولت ایران و چین در رم برداشته شد. اقدام بعدی، گشایش کنسولگری ایران در شانگهای در سال ۱۳۱۲ بود که با جنگ جهانی دوم، حفظ منافع را در سال ۱۳۲۰ به هلند و سپس به ترکیه واگذار کرد و با انقلاب کمونیستی، ایران از شناسایی حکومت جدید ممانعت به عمل آورد. در سال ۱۹۷۲ همزمان با حوادث شبه‌قاره هند دو کشور دارای مواضع مشترک بودند. دو کشور بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز در کنفرانس باندوگک تاکید داشتند. ایران در سال ۱۹۷۴ در قطعنامه‌ای (که سازمان ملل اجازه می‌داد دولت‌های غربی برای دفع تجاوز به کره جنوبی کمک کنند)، چین را محکوم کرد. چین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را محکوم کرد و با پیوستن ایران به دکترین آیزنهاور، ایران را به وابستگی به امپریالیسم متهم کرد (دفتری، ۱۳۷۴: ۲۸۹-۲۸۶).

روابط توأمان همکاری، رقابتی و تعارضی پس از انقلاب ایران

با رفتن شاه و تاب و تب انقلاب، ناخوشایندی برای چین وجود داشت. چین درک درستی از انقلاب اسلامی نداشت و نگران بود که ایران پس از انقلاب در دام شوروی سابق بیفتد و با فروش تسلیحات سعی داشت محوریت ایران، چین باشد. طبق گزارش‌های موجود، چین به ایران و عراق همزمان ادوات جنگی می‌فروخت. در یکی از گزارش‌های منتشر شده در بهار ۱۹۸۳ چین حدود یک میلیارد و سیصد میلیون دلار از بابت فروش هواپیمای F6، تانک‌های T53 و توپ‌های ۱۳۰ و تسلیحات سبک که قرار بود ظرف ۹ سال به ایران تحویل دهد، دریافت کرده است. در این دوران چین سعی کرد واسطه‌گری کره شمالی را حذف کند و خود رسماً وارد کارزار فروش ادوات جنگی و سلاح شود. در مارس ۱۹۸۵ جمهوری خلق چین تعهد کرد که ظرف ۳ سال، یک میلیارد و ششصد میلیون دلار به ایران هواپیما و سایر تسلیحات صادر کند (شاهنده، ۱۳۷۴: ۱۰۱۳-۱۰۱۰). می‌توان گفت

از زمان انقلاب اسلامی تا سال ۲۰۱۳، روند تغییرات الگویی دو کشور در تمامی ابعاد آن (همکاری، رقابت و تعارض) ماهیتی عملیاتی یافته است (گارور، ۱۳۸۸: ۹۲).

چین در برخی مسائل کلان با توجه به هم‌سویی یا تقابل با آمریکا، سیاست‌های دوگانه‌ای نسبت به ایران دارد. رویکرد چین در نظام بین‌الملل با توجه به سیاست‌های اصلی خود یعنی هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، عدم مداخله در سایر کشورها، همکاری دوستانه بین مردم تمام کشورها، مخالفت با تجاوز و جنگ‌طلبی و حمایت از صلح بین‌الملل بوده که هم با سیاست‌های ایران هم‌گرایی داشته و هم با برخی سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران مخالف و دارای تعارض بوده است. مثلاً در رابطه با مسئله هسته‌ای، هم از ایران خواسته در چارچوب NPT حرکت کند و هم کشورهای غربی و به‌خصوص آمریکا را دعوت به عدم خروج از برجام کرده است. به‌طور کلی چین مخالف تکثیر سلاح‌های هسته‌ای به هر نحوی است؛ اما حق قانونی کشورها را در استفاده از انرژی هسته‌ای صلح‌آمیز محترم می‌داند. همچنین چین بیشترین وتوی شورای امنیت خود را در تحولات یک دهه قبل سوریه، در محکومیت حمله به سوریه و ضدیت با تروریسم داشته است که همسو با سیاست‌های ایران بوده است. چین گاهی تعارض منافع و تضاد منافع با ایران پیدا می‌کند از جمله موضع‌گیری چین در نشست کشورهای عرب اواخر سال ۲۰۲۲ میلادی را می‌توان نوعی توازن چینی در روابط خود با سایر کشورها دانست که البته تا حدودی اصل عدم دخالت را نقض کرده و با ایران ماهیتی تعارضی در پیش گرفته است.

مشارکت جامع راهبردی ایران و چین و قرارداد ۲۵ ساله

در یک نگاه؛ علل همگرایی‌ها میان کشورها در طول تاریخ، ناشی از حس نیاز در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و حفظ ارزش‌ها بوده است. از اواخر سده ۲۰ میلادی و دو دهه اول قرن ۲۱ نظام بین‌الملل با تحولات ساختاری در قطب‌بندی‌ها، قدرت‌ها شکل گرفته که نقش قدرت اقتصادی امروزه دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایر مولفه‌های قدرت است. ایران نیز کشوری که از این مهم استثناء نیست و با توجه به شرایط ژئوپلیتیکی خود و نیز با ناکامی که حدود ۴ دهه از غرب داشته، «رویکرد نگاه به شرق» را در سیاست‌گذاری و امور اجرایی و اقتصادی خود قرار داده است. به همین جهت بنا به دعوت آقای روحانی، شی جین‌پینگ، رئیس‌جمهوری خلق چین، در تاریخ ۳ بهمن سال ۱۳۹۴ هجری شمسی

(۲۳ - ۲۲ ژانویه ۲۰۱۶ میلادی) از جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی دیدار کرد. سران دو کشور در یک فضای دوستانه با توجه به شرایط گذار در نظام بین‌الملل به توافقات گسترده‌ای دست یافتند و دو طرف توافق کردند که روابطی مبتنی بر «مشارکت جامع راهبردی» برقرار کنند.

در بیانیه مشترک «مشارکت جامع راهبردی ج.ا.ا. و ج.خ. چین» به چندقطبی بودن نظام بین‌الملل، صلح، ثبات و توسعه توجه شد که ظرفیت‌های دو طرف شناسایی و در حوزه‌های سیاسی، اجرایی، انسانی و فرهنگی، قضایی، امنیتی - دفاعی و امور منطقه‌ای و بین‌المللی صحبت‌هایی محور قرار گرفت که در ۷ فروردین ۱۴۰۰ برنامه جامع همکاری بین ایران و چین به امضای وزرای امور خارجه دو کشور رسید که از آن به‌عنوان توافق‌نامه ۲۵ ساله ایران و چین یاد می‌شود. سند در بازه زمانی ۲۵ ساله و مبتنی بر احترام متقابل و منافع برد-برد در زمینه روابط دوجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی می‌باشد. این قرارداد دارای بازتاب‌های فراوان داخلی و خارجی شد که بعضاً آن را قرارداد ترکمن‌چای، بعضی آن را فروش ایران به چینی‌ها و بعضی از نظرات بر این امر تأکید داشته که ایران در این زمینه دستاوردهای مهم و تاثیرگذاری بدست خواهد آورد؛ اما اساساً نگاه دقیق و کارشناسی شده‌ای در این زمینه صورت نگرفته است و بحث‌های آن بسیار محدود است. در قرارداد بسیاری از حوزه‌ها تعریف شده؛ اما به طور شفاف، هنوز هیچ موضع‌گیری و افشای رسمی درباره آن وجود ندارد و مشارکت جامع راهبردی هنوز در هاله‌ای از ابهام است؛ اما آنچه حائز اهمیت است اینکه رویکرد ایران و چین نسبت به روابط خود دارای خصیصه‌ای واقع‌گرایانه و منطقی با رویکردی دارای سازه‌های اشتراکی است که با توجه به شرایط نظام بین‌الملل صورت گرفته است.

در گزارش ۲۹ نوامبر سال ۲۰۲۲ پنتاگون ۱۳ بار کلمه «ایران» آمده است و یک بخش یک پاراگرافی (حدود ۱۵۰ کلمه‌ای) را به روابط ایران و چین و قرارداد ۲۵ ساله پرداخته است. در این گزارش در مورد توافق‌نامه ۲۵ ساله بین ایران و چین آمده: (ایران) «راه را برای حضور گسترده چین در بانکداری، مخابرات و زیرساخت‌های ایران هموار کرده و فروش نفت با تخفیف، ایران را منحصراً در اختیار چین می‌گذارد» (DOD, 2022: 163). در این راستا کورنلیوسن، بنیانگذار و مدیر تحلیل ژئوپلیتیک جهانی (NRCI)، می‌نویسد

که این توافق نامه ممکن است تعادل استراتژیک و ژئوپلیتیکی در خاورمیانه را تغییر دهد (Corneliusson, 2022). همچنین شی جین پینگ، دبیرکل حزب کمونیست چین، در سال ۲۰۱۹ در زمانی که ایالات متحده به دلیل اقدامات بی ثبات کننده خود در منطقه بر ایران فشار می آورد، اعلام کرد: «مهم نیست که اوضاع بین المللی و منطقه ای چگونه تغییر کند، عزم چین در این زمینه است» (Green & Roth, 2021: 4).

بنابراین شاهد هستیم که چین پس از مشارکت جامع راهبردی در مذاکرات وین و احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) که اغلب به طور غیررسمی توافق هسته ای ایران نامیده می شود، فعال تر شده است. همچنین چین واردات نفت از ایران را افزایش داده و از موضع ایران در برابر آمریکا حمایت لفظی داشته است. در واقع هرچند توفیق توسعه ای برای ایران در شرایط تحریم بهبود نیافته؛ اما می توان گفت ایران نسبت به اوج تحریم های دوران ترامپ آرامش نسبی و محدودی را لمس کرده و تفاهم نامه همکاری ایران و چین در زمینه های دیگر نیز شروع شده است. از جمله تفاهم نامه همکاری بین دانشگاه تهران و دانشگاه پکن به امضا رسید. تفاهم نامه دیگری برای همکاری در سینما بین سازمان سینمایی ایران و دفتر فیلم چین امضا شد. چین سرکنسولگری خود را در بندرعباس در جنوب ایران افتتاح کرده است. در واقع می توان گفت دستاورد مهم نزدیکی روابط ایران و چین و توافق نامه، الحاق ایران به سازمان همکاری شانگهای (SCO) بوده است که ناشی از حمایت سیاسی چین است. البته همان طور که فیگارو توجه داشته؛ تحریم ها مانع اصلی اجرای توافق ۲۵ ساله ایران و چین و بهبود روابط اقتصادی دو کشور است (Figueroa, 2022). بنابراین برای دقیق تر شدن و دست یافتن به شناخت «مشارکت جامع راهبردی» و در پی آن «قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین»، به نظر می رسد که متغیرهای بسیاری در این زمینه مهم هستند که می توان از نظریه های مختلف روابط بین الملل بهره برد و به یک سنتز نظری دست یافت.

سنتز نظری سیاست خارجی ایران در پرتو مشارکت جامع راهبردی با چین

در اصول دیپلماسی و ارتباط میان کشورها، نگاه واقع گرایانه وجود دارد که سود و زیان، مهم ترین ملاک روابط میان کشورها است. این روابط هم می تواند زمینه ساز تهدیدات باشد و هم باعث شکل گیری فرصت هایی شود که مناسبات کشورها را ترتیب دهد. معمولاً

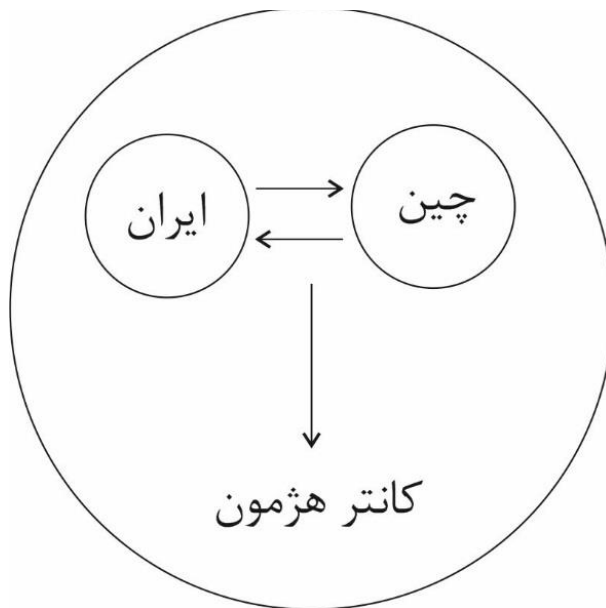
روابط سرد، نشانه بروز تهدید و روابط گرم و نوعاً گسترش ارتباطات بین دو کشور به عنوان نمادی فرصت آور بوده است. به نوعی روابط نزدیک دو کشور در نظام بین‌الملل می‌تواند به معنای افزایش فرصت‌هایی برای دو طرف باشد. روابط ایران و چین نیز می‌تواند در این قالب مورد بررسی قرار گیرد. دو کشور در روابط خود به دنبال منافع ملی بوده که بخشی از آن ناشی از مقتضیات نظام بین‌الملل است که با محوریت منافع ملی گره می‌خورد. مقتضیات نظام بین‌الملل و شرایط دو کشور چین و ایران می‌تواند بر اساس همسویی اهداف، منافع، سازگاری ارزش‌ها و دیدگاه‌ها در عرصه بین‌المللی و وجود یا احساس تهدید مشترک مثلاً هژمونی غرب باشد که ممکن است همه عوامل با هم حائز اهمیت باشد. در ذیل به بررسی موارد «سه‌گانه» همسویی و همگرایی ایران و چین پرداخته می‌شود.

اشتراک سازه‌ای و ضدیت با کانتز هژمون

به نظر می‌رسد برای بررسی و تحلیل هر موضوع و مسئله‌ای نمی‌توان صرفاً یک متغیر را مد نظر قرار داد و با یک زاویه دید به قضایا نگاه کرد. در این میان برای بررسی چارچوب نظری «مشارکت جامع راهبردی ایران و چین» نیز نمی‌توان رویه‌ای یک‌وجهی را در نظر گرفت. رابطه ایران و چین را می‌توان از مهمترین تحولات سیاست خارجی ایران برشمرد که با توجه به ضرورت و نیازهای دو طرف از منظر اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جای بررسی دارد. چین اولین قدرت بزرگ پس از انقلاب بوده که موضع‌گیری آن به انقلاب ۱۳۵۷ ایران نسبت به سایر قدرت‌های بزرگ جهان رویه‌ای معقول‌تر داشت. در طول جنگ ایران و عراق نیز جزء محدود کشورهایی بود که به ایران و عراق همزمان سلاح و تجهیزات نظامی می‌فروخت. روابط ایران و چین قبل از تحریم‌های ایران با بدقولی‌هایی از جانب چین مواجه شد و در زمان برجام روابط تجاری دو طرف گسترش یافته و چین بزرگترین شریک تجاری فعلی ایران است.

در شرایط پسابرجام و تحریم، چین هرچند در موضع‌گیری‌های خود طرفدار حفظ وضع موجود بود؛ اما در عمل با وجود تحریم‌های جدی آمریکا و غرب علیه ایران، یکی از خریداران نفت ایران هرچند به صورت محدود بود. همین خرید نفت کم از ایران و داشتن تبادلات تجاری، سیاسی و اقتصادی به نوعی طرد و نادیده انگاشتن سیاست‌های هژمون آمریکایی در نظام بین‌الملل است. جاکوپو می‌گوید: «با پازل تحریم، سلسله‌مراتبی

شاهد هستیم که برای کسب جایگاه بین‌المللی روابط با واشنگتن غلبه دارد؛ اما با این حال، ارزش تاریخی، استراتژیک و اقتصادی مشارکت با تهران، چین را وادار می‌کند تا از طریق یک تلاش میانجیگری مستمر، تضاد بین این نقش‌ها را مدیریت کند (Jacopo, 2022: 88).



منبع: نویسندگان

بنابراین هرچند چین با آمریکا بیشترین تبادلات تجاری را دارد و در مقابل، سهم تجارت چین و ایران ناچیز است؛ اما چین از ایران به عنوان یک شریک استراتژیک و همسو با ضدیت به هژمون نگاه می‌کند. از سال ۲۰۱۳ که دونالد ترامپ رییس جمهوری ایالات متحده آمریکا شد و از برجام خارج شد با این وجود، دو کشور به یک مشارکت جامع راهبردی دست زدند و هدف‌های مشترکی را برای خود تعریف کردند تا مانع تحقق بسیاری از اهداف آمریکا و غرب در مقابل این مشارکت شوند. در یک تحلیل کلی طی روابط ۵۰ ساله ایران و چین در چهار دهه نخست روابط، چین در حاشیه اقتصاد سیاسی ایران قرار داشت؛ اما در یک دهه اخیر این کشور به مهمترین پدیده اقتصادی سیاسی ایران تبدیل شده است. در اندک زمانی چین به مهمترین بازار صادراتی، شریک وارداتی، شریک تکنولوژیک و متحد کلیدی سیاسی تهران تبدیل شده و تنها کشوری است که

موفق شده اولین قرارداد در حجم و سطح وسیع با ایران پس انقلاب اسلامی، با عنوان «قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین» داشته باشد. روابط دو کشور می‌تواند با توسعه اقتصادی در زیرساخت‌ها و رفع تحریم‌ها بتواند اقتصاد پویایی را تجربه کند. از اواسط دهه ۲۰۰۰، تجارت چین و ایران از حدود ۲/۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۴ به ۱۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۸ افزایش یافته است (Loft, Curtis and Ward, 2022: 20-32). رویکرد ایران با رویکرد چین در نگرش ضد هژمون خود در نظام بین‌الملل همخوانی دارد و می‌توان در مشارکت جامع راهبردی ایران و چین نیز نقش ضلع سوم یعنی آمریکا را بهتر درک کرد. ایالات متحده آمریکا عملاً سعی داشته از طریق قواعد رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، مانع همکاری جدی چین با ایران شود.

بنابراین این امر می‌تواند عوامل متعدد نظری در نظریه‌های بین‌الملل را مورد بررسی قرار دهد. از یک سو نظریه‌های همگرایی که بیشتر فراملیتی است و از سوی دیگر می‌توان شاهد نوعی روندهای هویتی جدید در نظام بین‌الملل در قالب مشارکت‌ها در حال ظهور است.

شناخت ادارکی از محیط بین‌الملل و شرایط داخلی

دو کشور ایران و چین با سوءگیری‌های مشترک در برخی مسائل به نتایج همسویی از واقعیت‌ها رسیده‌اند که با افزایش پیچیدگی‌های شناختی می‌توان شاهد دگرگونی در ادارک راهبردی واحدهای دولتی بود. پیوند شناخت و ادارک، یکی از بحث‌های مهم حوزه مطالعات نظریه‌های ذهن‌گرای روابط بین‌الملل است. با چرخش در ادارک راهبردی بازیگران؛ سه حوزه نقش‌پذیری، جعبه ابزارهای سیاست خارجی و شکل رقابت‌ها و همکارها تغییر خواهد کرد. تغییر رفتار راهبردی بازیگران دولتی در مولفه‌های محیطی و ذهنی متفاوت ریشه دارد. یکی از مهم‌ترین آنها جهت‌گیری هویتی و ادارکی است (خوشکار، ۱۴۰۱: ۲۵۳-۲۵۲). این امر می‌تواند ناشی از واقعیت‌های داخلی و بین‌الملل باشد و از رویکرد صرف فرهنگی یا نظامی به سمت سایر مولفه‌های قدرت نیز تغییر جهت یا چرخش داشته باشد و کشورها را با توجه به هویت، ادارک رهبران و بینادذهنیت به سمت همگرایی سوق دهد. در مشارکت راهبردی جامع ایران و چین، نیاز ایران به یک بازار با توجه به بسته شدن راه‌های ارتباطی، گرایش به پکن شکل گرفت و ایران به عضویت

شانگهای درآمد. این امر را می‌توان ناشی از شناخت ادارکی در محیط بین‌الملل دانست که منبعث از شرایط داخلی دو کشور بوده است. البته این همگرایی به معنای نادیده گرفتن مسائل اقتصادی نیست بلکه رهبران دو کشور با ادراکات مشابه نسبت به نظام بین‌الملل با رویکرد «واقع‌گرایانه» و توجه به مباحث مهم اقتصادی در حوزه انرژی، نگرانی‌هایی عمیق نسبت به این مسئله دارند.

ایران برای فروش انرژی نیاز به زیرساخت‌های کشف و پالایش و نیز حمل و نقل دارد و چین احساس نگرانی از امنیت انرژی را در سیاست‌های خود نشان داده است. هرچند چین با روسیه، عربستان، عراق و سایر کشورها به دنبال ثبات امنیت انرژی است؛ اما رویکرد ایران نسبت به کشورهای حوزه خلیج فارس متفاوت است. چین به خوبی درک کرده که رویکرد ایران بر پایه مقاومت و تقویت محور مقاومت است و در تقابل با سیاست‌های غربی به خصوص آمریکا به عنوان بزرگترین رقیب در نظام بین‌الملل است و این تقابل ایران با آمریکا برای چین حائز اهمیت است و موضع چین این است که ایران نباید تحت هیچ نوع تحریمی قرار گیرد و باید به انرژی هسته‌ای دسترسی داشته باشد؛ اما با گسترش سلاح‌های هسته‌ای مخالف است و از نظارت بین‌المللی به عنوان راه‌حل مسئله هسته‌ای حمایت می‌کند (Figueroa, 2022).

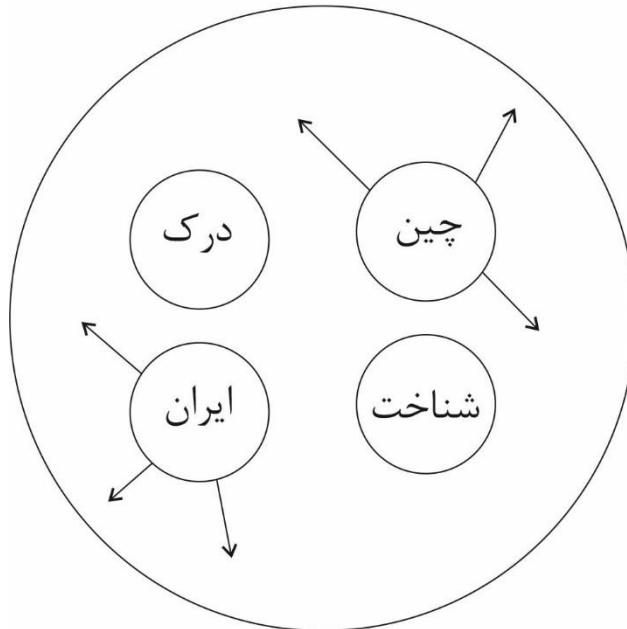
می‌توان با دیوید متیرانی هم‌نظر بود که پیچیدگی نظام‌های حکومتی اساساً وظایف فنی و غیرسیاسی حکومت‌ها را افزایش می‌دهد. بسیاری از متخصصین و مشاورین اقتصادی، نظامی و تکنولوژیکی ایرانی، هم از روی اختیار و هم ناچاراً چین را کشوری مهم دانسته که قابلیت مشارکت استراتژیکی دارد. در واقع توسعه بخش انرژی ایران بخش مرکزی مولفه صنعتی در ایران را تشکیل می‌دهد هرچند با وجود تحریم‌های غربی، شرکت ملی نفت چین (CNPC) از قرارداد توسعه فاز ۱۱ گاز پارس جنوبی خارج شد؛ اما میدان گازی در مجاورت قطر می‌تواند شروع یک توافق جدید بین ایران و چین باشد. در حال حاضر شرکت انرژی ایران، پتروپارس، به توسعه فاز ۱۱ در میدان گازی پارس جنوبی می‌پردازد؛ اما با توافق راهبردی بین ایران و چین، شرکت‌های چینی نیز ممکن است به کمک خطوط لوله جدید نفت و گاز متصل به شبکه‌های خط لوله منطقه‌ای موجود و راهروهای خط لوله جدید را تشکیل دهند. از نظر منطقه‌ای، شبکه‌های خط لوله موجود شامل آسیای مرکزی

می‌شود. در حال حاضر شرکت‌های ایرانی، خط لوله ۱۱۰۰ کیلومتری گوره - جاسک را می‌سازند و پایانه نزدیک بوشهر در منطقه جاسک غربی در امتداد دریای عمان توانایی و ظرفیت انتقال یک میلیون بشکه در روز را دارا می‌باشد (Corneliussen, 2022). بنابراین این رویکرد فنی و تخصصی می‌تواند در سایر زمینه‌ها نیز تسری در همگرایی را شکل دهد. همچنین می‌توان با پوچالا موافق بود که مشارکت را می‌توان ناشی از یک رشته فرایندها دانست که باعث ایجاد و تداوم یک نظام هماهنگ در سطح بین‌الملل شده که بازیگران همواره سعی دارند منافع و مصالح خود را در این میسر بیابند. مشارکت چین جدید در حکمرانی جهانی از زمان تاسیس در ۱۹۴۹ چهار مرحله را سپری نموده است: ۱- حکومت ضد هژمونیک با دیپلماسی انقلابی مائو، ۲- «ادغام فعال» پس از اصلاحات و گشایش، ۳- مشارکت سازنده و ۴- مرحله کنونی در قالب پیشنهاد «راه حل‌های چینی» (شرفخانی، حاجی مینه و دهشیری، ۱۴۰۱: ۷۶). بنابراین درک چین از شرایط فعلی از طریق مشارکت‌ها صورت می‌گیرد.

تعمیق اداری در محیط بین‌الملل و کنش در سیاست خارجی

رویکرد چین و ایران در مشارکت راهبردی را می‌توان حاصل سال‌هایی دانست که ذهنیت تاریخی آنها علیه استعمار شکوفا شده است. چین در جنگ تریاک سال‌های متمادی عقب‌گرد داشته و ایران با وجود استقلال، نگرش خوبی نسبت به غرب ندارد. تحت این شرایط، تحقق چارچوب‌های مبتنی بر روابط استراتژیک از جمله مشارکت فراگیر (جامع) مستلزم فهم ذهنی رهبران از منافع استراتژیک و یا تهدیدات و چالش‌های مشترک است. شکل‌گیری مشارکت راهبردی جامع به‌عنوان یک شیوه جدید از ارتباطات دولت‌ها در نظام بین‌الملل جزء پدیده‌های جدید به‌شمار می‌آید و شاید مهم‌ترین کارکرد الگوی مشارکت راهبردی، هموارسازی مسیر افزایش قدرت هر کشوری باشد. از جهتی این الگوی رفتاری شرکای راهبردی هیچ‌گونه تغییری در حاکمیت ملی یکدیگر ایجاد نمی‌کند بلکه ضمن افزایش قدرت، نوعی استقلال عمل برای طرف مقابل نیز به همراه دارد (جانسیز و پیرمحمدی، ۱۳۹۸: ۹۹).

محیط بین‌المللی



منبع: نویسندگان

در واقع این امر به معنای یک عضویت ساده نبوده بلکه قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین که می‌توان از آن به‌عنوان وسیع‌ترین، کامل‌ترین و بزرگ‌ترین قرارداد جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب نام برد، ریشه در بنیان‌های معرفتی و هستی‌شناسی سازه‌انگاران دارد. این هویت‌ها است که ذهنیت‌ها را به سمت تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها سوق می‌دهد و این ذهنیت بین‌اذهانی را برای رهبران دو کشور ایران و چین به‌وجود آورده تا این مسئله را «درک» کنند که دیدگاه‌ها و منافع استراتژیک دو کشور همسو گردد و تهدیدها و چالش‌های مشترک ایران و چین بهتر درک شده و نوعی «مبنا» بخشی برای سیاست خارجی دو کشور رقم زند و با دیدی «واقع‌گرایانه» از ذهنیت به‌عینیت سوق یابد. پس تعاملات و کنش دو کشور ایران و چین که باعث نوعی «همگرایی» در روابط بین‌الملل شده ناشی از هویت، ذهنیت و ارزش‌های دوطرفه‌ای است که در نظام بین‌الملل شکل گرفته و خود «هژمون» می‌تواند یکی از منشاءهای این نوع از شکل‌گیری هویت‌ها که نوعی ضدیت با قدرت آمریکا بوده در این مشارکت شاهد بود. به‌عبارتی همان‌طور که استفن والت متذکر

می‌شود «اتحاد دولت‌هایی که مانند یکدیگر فکر می‌کنند، به دلیل اصول مشترکی تسهیل می‌شود که دولت‌ها به علت مشابهت‌های فکری، همواره ترس کمتری را از هم احساس می‌کنند» (Walt, 1987: 34). شاید احساس ترس مشترک و شناخت آگاهانه از موقعیت دو کشور ایران و چین، باعث سهولت در روابط، مشارکت جامع راهبردی و قرارداد ۲۵ ساله بین دو کشور شده است. لذا این نوع از همگرایی ایران و چین در قالب مشارکت جامع راهبردی، می‌تواند منشاء مادی و غیرمادی داشته باشد.

نتیجه‌گیری

مقاله ابتدا چند نظریه مرتبط با مشارکت جامع راهبردی ایران و چین را به منظور درک بهتر روابط دو کشور مورد بررسی قرار می‌دهد، سپس به ماهیت مشارکت می‌پردازد و در انتها سنتزی برای درک بهتر این موضوع ارائه می‌دهد که ناشی از متغیرهای مختلف است. در واقع برای بررسی روابط بین کشورها می‌توان اولاً از نظریات مختلف در روابط بین‌الملل بهره برد و دوم اینکه شناختی چندوجهی به «رویدادها» داشت. این امر می‌تواند سهولت تحلیل مسائل بین‌المللی در رابطه با سیاست خارجی کشورها را در بر داشته باشد. بنابراین از دید بالا به پایین می‌توان نظام بین‌الملل را به‌عنوان یک مولفه یا متغیر کلان دید که سیاست خارجی کشورها در ذیل آن مورد بررسی قرار گیرد که نقش محیط داخلی کشورها نیز حائز اهمیت است و یا اینکه رویکرد از پایین به بالا دید که از نیازهای داخلی یک جامعه و درک و شناخت رهبران شروع می‌شود و به نظام بین‌الملل که شامل همه کشورها می‌شود، رسید.

برای بررسی این رویکرد می‌بایست متغیرهای گوناگون را مد نظر قرار داد؛ از عوامل داخلی هر جامعه تا درک رهبران، تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران جامعه که در سیاست خارجی قابلیت اجرا و عمل است که همین امر اشتراکات، افتراقات و اختلافاتی را با سایر کشورها به وجود خواهد آورد. ابتدا می‌توان همگرایی ایران و چین را دید که با توجه به شرایط داخلی و محیط بین‌المللی شکل گرفته است. در این وضعیت شناخت و ادراک رهبران دو کشور حائز اهمیت که ناشی می‌شود از شرایط داخلی و نظام بین‌المللی که نتیجه آن شبه‌همگرایی باشد که در پی برخی اهداف فنی و سیاسی شکل می‌گیرد. سپس در نظام بین‌الملل وجود آنارشی، موازنه قدرت، منافع ملی، امنیت و قدرت‌طلبی را شاهد هستیم که

دو کشور به سمت مشارکتی با توجه به چندقطبی بودن نظام بین‌الملل، صلح، ثبات و توسعه تاکید می‌شود که هم از طریق سازه‌های هنجاری، فرهنگی و هویتی جای بحث دارد و هم ضدیت و تقابل با هژمون به رهبری آمریکا که ناشی از محیط داخلی و محیط بین‌المللی دو کشور است و سنتز نظری شکل می‌گیرد که الگویی با مفهوم مرتبط با هم شکل می‌گیرند که هدف دو کشور در آن قابل بررسی است. این سنتز در قالب الف- اشتراک سازه‌ای و ضدیت با کانتز هژمون، ب- شناخت ادارکی از محیط بین‌الملل و شرایط داخلی و پ- تعمیق ادارکی در سیاست خارجی تعریف می‌شود.

بنابراین برای درک بهتر مشارکت جامع راهبردی ایران و چین می‌توان عوامل، متغیرها و مولفه‌های داخلی و خارجی را مد نظر قرار داد. به نظر می‌رسد این شیوه درک بهتری از چرایی و چگونگی این روابط را به دست خواهد داد. از یک سو می‌توان گفت این حاصل شرایط داخلی و بین‌المللی است و از سوی دیگر ناشی از درک، شناخت و تصمیم کارگزاران یک کشور است و ضلع سوم نیز می‌تواند ضدیت‌ها و مخالفت‌هایی با کشور ثالثی مانند آمریکا باشد که همه این موارد باعث ایجاد یک «دیدگاه واقع‌گرایانه» در محیط بین‌الملل است که می‌تواند باعث تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری بهتر در نظام بین‌الملل باشد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Arsalan Ghorbani



<https://orcid.org/0000-0002-4005-1684>

Sheikhneshin



<https://orcid.org/0000-0002-6006-6349>

Hadi Torki



<https://orcid.org/0000-0003-3697-2672>

Mirtorabi saaid



<https://orcid.org/0000-0003-3139-9504>

Karimi Gholamreza

منابع

- آذرائین، علی، (۱۴۰۰)، «بررسی جامع قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین»، گزارش راهبردی، دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید، دانشگاه امام صادق.

- بیلیس، جان و استیو اسمیت و دیگران، (۱۳۸۳)، جهانی شدن سیاست جهانی: درآمدهای بر روابط بین‌الملل، ترجمه ابوالقاسم راه چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- پورقیومی، ایوب، (۱۳۸۸)، «بررسی مفهوم هژمونی؛ با تأکید بر هژمون‌گرایی آمریکا»، مجله سیاست دفاعی، ۱۷، (۶۷).
- پیمانی، علی، (۱۴۰۰)، «بررسی جامع قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین»، گزارش راهبردی، دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید، دانشگاه امام صادق.
- جان گارور، (۱۳۸۸)، چین و ایران، شریکان باستانی در جهان پس از امپراطوری‌ها، ترجمه سعیده موسوی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- روزه، گی، (۱۳۷۹)، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی: کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی‌زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- سیف‌زاده، سید حسین، (۱۳۸۹)، اصول روابط بین‌الملل، تهران: میزان.
- فالتزگراف، رابرت و دنورتی، جیمر، (۱۳۸۸)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب، تهران: نشر قومس.
- قاضی‌زاده، شهرام و طالبی‌فر، عباس، (۱۳۸۹)، مناسبات راهبردی ایران و چین، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- کاظمی، علی‌اصغر، (۱۳۸۴)، روابط بین‌الملل در تئوری و عمل، چاپ چهارم، تهران: قومس.
- مشیرزاده، حمیرا و طالبی‌آرانی، روح‌الله، (۱۳۹۳)، نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: نشر میزان.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۸)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ چهارم، تهران: انتشارات سمت.
- جانسیز، احمد و پیرمحمدی، سعید، (۱۳۹۸)، «تحلیل الگوی همکاری استراتژیک در روابط جمهوری اسلامی ایران و چین»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۸، شماره ۴، صص ۹۳-۱۲۰.
- جوان جعفری، علی، (۱۴۰۰)، «بررسی جامع قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین»، گزارش راهبردی، دفتر مطالعات راهبردی رونق تولید، دانشگاه امام صادق.
- دفتری، مریم، (۱۳۷۴)، «تحلیلی بر روابط ایران و چین»، مجله سیاست خارجی، سال نهم، شماره ۱.
- رکابیان، رشید، غله‌پور، مهرداد و قربانی، وحید، (۱۴۰۰)، «بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران و چین از دریچه فرهنگ راهبردی»، فصلنامه علمی رهیافت‌های علمی و بین‌المللی، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۲۳۰-۲۰۵.

- شاهنده، بهزاد، (۱۳۷۴)، «سیاست خاورمیانه‌ای چین با تکیه بر درهای باز»، فصلنامه خاورمیانه، سال دوم، شماره ۴.
- شرفخانی، مجید، حاجی مینه، رحمت، و دهشیری، محمدرضا، (۱۴۰۱)، «راهبرد اقتصادی چین در رقابت هژمونیک با آمریکا در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، ۱۱(۴۰).
- شریعتی‌نیا، محسن، (۱۴۰۱)، «عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای: پیامدهای امنیتی و اقتصادی»، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۱۳(۳).
- شفیع‌ی، نوذر، (۱۴۰۱)، «تحلیل توافقنامه ۲۵ ساله ایران و چین در پرتو تحولات سیاست خارجی چین»، مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، ۵(۱)، ۱۷۵-۲۰۰.
- صالحی، سیدجواد و حشمتیان، رضا، (۱۳۹۷)، «جایگاه نظام بین‌الملل در تعاملات ایران و چین و پیشبرد منافع ملی ایران»، فصلنامه مطالعات منافع ملی، ۴(۱۳)، ۱۲۵-۱۵۵.
- عباسی خوشکار، امیر، (۱۴۰۱)، «هویت متحول سیاست خارجی چین و راهبرد نظم‌سازی نهادی در دوره پسا‌ماتو»، پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل، ۱۱(۱).
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۴)، «رویکردهای معنایی در روابط بین‌الملل و تأثیر آنها در تحلیل سیاست خارجی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، سال پنجم، شماره ۳۲.

References

- Adkin, Laurie, (2022), "Hegemony & Counter-Hegemony", Address: <https://ecampusontario.pressbooks.pub/showingtheory/chapter/hegemony-and-counter-hegemony>.
- Adler, Emanuel, (2019), *World Ordering a Social Theory of Cognitive Evolution*, Cambridge University Press, University of Toronto.
- Callco, David, (1987), *Beyond American Hegemony: The Future of the Western Alliance*, Mishawaka: Basic Books.
- Center, Wilson (September 2020), "Last among Equals: Iran-China Relations", <https://www.wilsoncenter.org/publication/last-among-equals-china-iran-partnership-regional-context>.

- Cerioli, Luiza Gimenz, (2018), “Roles and International Behaviour: Saudi-Iranian Rivalry in Bahraains and Yemens Arab Spring”, *Contexto International*, Vol. 40 (2).
- Corneliussen, Arne Elias. (2021). “25-Year China-Iran Strategic Agreement Charts China–Iran Economic Corridor: Architecture & Implications”, The Norwegian-British Chamber of Commerce, Available at: [https:// www. nrci. no/ External/ 25year _ China _ Iran _ Strategic.pdf](https://www.nrci.no/External/25year_China_Iran_Strategic.pdf) (Accessed 5 October 2021).
- Fassihi, Farnaz and Myers, Steven Lee (Sept. 24, 2021), “China and Iran Near Trade and Military Partnership”, [https:// www. nytimes. com/ 2020/ 07/11/world/asia/china-iran-trade-military-deal.html](https://www.nytimes.com/2020/07/11/world/asia/china-iran-trade-military-deal.html).
- Figueroa, William, (January 17, 2022), “China and Iran Since the 25-Year Agreement: The Limits of Cooperation”, [https:// thediplomat. com/ 2022/01/ china- and- iran- since- the-25-year-agreement-the-limits-of-cooperation](https://thediplomat.com/2022/01/china-and-iran-since-the-25-year-agreement-the-limits-of-cooperation).
- Finnemore Martha, Sikkink, Kathryn, (2001), “Taking Stock: Constructivist Research Program in International Relations and Comparative Politics”, *Annual Review of Political Science*, 4: 391-416 .
- Gramsci, Antonio, (1971), *Selections from the Prison Notebooks*, Edited and Translated by Q. Hoare and G. N. Smith. New York: International Publishers.
- Green, Will and Roth, Taylore, (June 28, 2021), “China-Iran Relations: A Limited but Enduring Strategic Partnership”, [https:// www. iranwatch. org/ sites/default/files/commission-report.pdf](https://www.iranwatch.org/sites/default/files/commission-report.pdf).
- Hopf, Ted, (1998), “The Promise of Constructivism in International Relation Theory”, *International Security*, 23(1): 171-200.
- Ikenberry, G. J. and Kupchan, C, (1990), “Socialization and Hegemonic Power”, *International Organization*, 44(3), 283-315. Available at: <https://>

econpapers. repec. org/ article/ cupintorg/ v_ 3a44_ 3ay_ 3a1990_ 3ai_ 3a03_ 3ap_3a283-315_5f03.htm. Accessed on: 11 Jun2020.

- Jacopo, Scita, (2022), “China-Iran Relations Through the Prism of Sanctions”, *Asian Affairs*, 53:1, 87-105, DOI: 10. 1080/ 03068374. 2022.2029060.
- Jervis, Robert, (1978), “Cooperation under the Security Dilemma”, *World Politics*, (2)30, 214-167.
- Kaufman, Stuart J, Wohlforth, William C and Little, Richard, (2007), *The Balance of Power in World History*, Cambridge University Press.
- Loft, Philip, and Curtis, John, and Ward, Matthew, (26 August2022), “China and the US in the Middle East: Iran and the Arab Gulf”, commonslibrary. parliament.uk, Address: [https:// commonslibrary. parliament. uk/ research- briefings/cbp-9612](https://commonslibrary.parliament.uk/research-briefings/cbp-9612).
- Mearsheimer, John, (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York: W.W. Norton.
- San, How Khoo, (1999), Approaches to the Regional Security Analysis of Southeast Asia, A Thesis Submitted for the Degree of Doctor of Philosophy of the Australian National University, May 1999.
- U.S Department of Defenes (Nov. 29, 2022), “Military and Security Developments Involving the People's Republic of China”, Address: [https:// www. defense. gov/ Spotlights/ 2022- China- Military- Power- Report](https://www.defense.gov/Spotlights/2022-China-Military-Power-Report).
- Walt, Stephen M, (1987), *The Origins of Alliances*, Ithaca: Cornel University Press, [https:// www. jstor. org/stable/10.7591/j.ctt32b5fc](https://www.jstor.org/stable/10.7591/j.ctt32b5fc).
- Waltz, K, (1979), *Theory of International Politics*, Reading, MA: Addison-Wesley.

- Wendt, Alexander, (1992), “Anarchy is What States Make of It; The Social Construction of Power Politics”, *International Organization*, Vol. 46, No. 2 (Spring, 1992), pp. 391-425.

In Persian

- Garver, John, (2006), *China and Iran: Ancient Partners in a Post-imperial World*, Translated by Saeeda Mousavi, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- Roche, Gay, (2002), *Introduction to General Sociology: Social Action*, translated by Homa Zanjanzadeh, Mashhad: Ferdowsi University of Mashhad.
- Bayliss, John & Steve Smith et al., (2000), *The Globalization of World Politics: An Introduction to International Relations*, translated by Abolqasem Rah Chamani and others, Tehran: International Studies & Research Institute.
- Seifzadeh, Seyed Hossein, (2010), *Principles of International Relations*, Tehran: Mizan.
- altzgraf, Robert, D'Orty, Jimmer, (2008), *Contending Theories of International Relations: A Comprehensive Survey*, Translated by Vahid Zaguri and Alireza Tayeb, Tehran: Qoms Publishing House.
- Hazizadeh, Shahram, and Talebifar, Abbas, (1389), *Strategic Relations between Iran and China*, Tehran: Research Institute of Strategic Studies (RISS).
- Kazemi, Ali Asghar, (2004), *International Relations in Theory and Practice*, 4th Edition, Tehran: Qoms.
- Moshirazdeh, Hamira & Talebi Arani, Ruhollah, (2013), *Theories of International Relations*, Tehran: Mezan Publishing.

- Moshirzadeh, Hamira, (2008), *Evolution in Theories of International Relations*, 4th Edition, Tehran: Samet Publications.
- Azarain, Ali, (2021), "Comprehensive Review of the 25-year Contract between Iran and China", Strategic Report, Office of Strategic Studies for Production Development, Imam Sadiq University.
- Pourqiyumi, Ayoub, (2008), "Reviewing the Concept of Hegemony; Emphasis on American Hegemony", *Journal of Defense Policy*, 17, (67).
- Peymani, Ali, (2021), "Comprehensive Review of the 25-year Contract between Iran and China", Strategic Report, Office of Strategic Studies for Production Development, Imam Sadiq University.
- Javan Jafari, Ali, (2021), "Comprehensive Review of the 25-year Contract between Iran and China", Strategic Report, Office of Strategic Studies of Production Development, Imam Sadiq University.
- Jansiz, Ahmed & Pirmohammadi, Saeed, (2018), "Analysis of the Possibility or Refusal of a Comprehensive Strategic Partnership in Iran-China Relations", *World Politics Quarterly*, Vol. 8, No. 4, pp. 93-120.
- Doferi, Maryam, (2014), "An Analysis of Iran-China Relations", *Foreign Policy Magazine*, Year 9, No. 1.
- Rekabian, Rashid, Alapour, Mehrdad and Ghorbani, Vahid, (2021), "Investigating the Relations between the Islamic Republic of Iran and China Through the Perspective of Strategic Culture", *Scientific Quarterly of Scientific and International Approaches*, Vol. 13, No. 4, pp. 205-230.
- Shahandeh, Behzad, (2014), "China's Middle East Policy Based on Open Doors", *Middle East Quarterly*, No. 4.
- Sharafkhani, Majid, Haji Mina, Rahmat & Desheiri, Mohammad Reza, (2022), "China's Economic Strategy in the Hegemonic Competition with America in the Middle East", *Strategic Policy Research Quarterly*, 11(40).

- Shariatinia, Mohsen, (2022), "Irans Full Membership in the SCO: Economic and Security Implications", *Political and International Approaches*, 13(3).
- Shafiei, Nozer, (2022), "Analysis of the 25-year Iran-China Agreement in the Light of China's Foreign Policy Developments", *International Political Economy Studies*, 5(1), 175-200.
- Salehi, Seyedjavad & Reza Hashmtian, (2017), "The Position of the International System in the Interactions between Iran and China and the Advancement of Iran's National Interests", *National Interest Studies Quarterly*, 4(13), 125-155.
- Abbasi Khoshkar, Amir, (2022), "Evolutionary China's Foreign Policy Identity and The Strategy of Institution Making Order In The Post-Mao Period", *Iranian Journal of International Politics*, 11(1).
- Moshirzadeh, Hamira, (2014), "Semantic Approaches in International Relations and their Impact on Foreign Policy Analysis", *Political and International Approaches*, No. 32.

استناد به این مقاله: قربانی شیخ‌نشین، ارسلان، ترکی، هادی، میرترابی، سعید، کریمی، غلامرضا، (۱۴۰۲)، «استنز نظری سیاست خارجی ایران در پرتو مشارکت جامع راهبردی با چین»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۱۲(۴۶)، ۱۰۷-۱۴۴.

doi: 10.22054/QPSS.2023.71861.3170



Quarterly of Political Strategic Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License